# حق اليقين

في

## معرفة أصول الدين

العلامة المحقق الجليل
السيد عبد الله شبر

مؤسسة الأعلمي للمطبوعات

# حق اليقين

في

# معرفة أصول الدين

العلامة المحقق الجليل

السيد عبد الله شبر

المتوفى عام ١٢٤٢ هـ

الجزء الاول

منشورات

مؤسسة الأعلمي للمطبوعات

بيروت - لبنان

ص ب : ٧١٢٠

جميع الحقوق محفوظة ومسجلة للناشر

الطبعة الأولى
١٤١٨هـ - ١٩٩٧م

مؤسسة الأعلمي للمطبوعات :
بيروت - شارع المطار - قرب كلية الهندسة .
ملك الاعلمي - ص.ب : ٧١٢٠
الهاتف : ٨٣٣٤٤٧ - ٨٣٣٤٥٣

PUBLISHED BY
*Al Alami Library*
BEIRUT - LEBANON
P.O. BOX 7120

١ ـ نسبه الشريف ........ ١٥٢
٢ ـ الدليل على نبوته ........ ١٥٢
٣ ـ وجه اعجاز القرآن الشريف ........ ١٥٤
٤ ـ سائر معجزاته ........ ١٥٩
٥ ـ المعجزات الكائنة في بدنه الشريف ........ ١٦١
٦ ـ أخلاقه ونعوته وصفاته ........ ١٦٣
٧ ـ خصائصه التي خص بها عن امته ........ ١٦٧
٨ ـ معراجه صلى الله عليه وآله ........ ١٦٨
٩ ـ نبينا خاتم الأنبياء ........ ١٧٦
١٠ ـ طهارة آباء النبي ........ ١٧٧
١١ ـ هل كان نبينا قبل البعثة متعبداً بشريعة أم لا ........ ١٧٨
١٢ ـ معنى ان نبينا كان أمياً ........ ١٧٩

## كتاب الإمامة

**الفصل الأول: الادلة على نصب الأئمة** ........ ١٨٣
١ ـ الأدلة العقلية ........ ١٨٣
٢ ـ الأدلة النقلية ........ ١٨٥
٣ ـ شرائط الامام ........ ١٨٧
٤ ـ طريق معرفة الامام ........ ١٨٩

**الفصل الثاني: تعيين الإمام بعد رسول الله صلى الله عليه وآله** ........ ١٩١
١ ـ الادلة العقلية على تعيين علي عليه السلام ........ ١٩١
٢ ـ الآيات القرآنية الدالة على تعيين علي عليه السلام ........ ١٩٢
٣ ـ الأخبار الدالة على تعيين علي عليه السلام ........ ٢٠٣

**الفصل الثالث: فضل الامام علي عليه السلام** ........ ٢١١
١ ـ الاخبار الدالة على أفضلية علي عليه السلام ........ ٢١١
٢ ـ ما رواه ابن حجر من فضائل الامام علي عليه السلام ........ ٢١٨
٣ ـ فضائل ومناقب الامام علي عليه السلام ........ ٢٢٦

**الفصل الرابع: المطاعن التي ذكرها العامة في الخلفاء الثلاثة** ........ ٢٣١
١ ـ المطاعن التي ذكرت في ابي بكر ........ ٢٣١

على إثبات ذلك أو نفيه والعلم عند الله، نعم قد دلت جملة من الأخبار على أن الله سبحانه قد أخذ من الملائكة ميثاق ولايته وولاية الأوصياء من بعده وان كل ملك ينزل إلى الأرض لأمر يتشرف بخدمة الإمام، وأن جبرائيل بل عزرائيل ما كانا يدخلان بيت النبي ﷺ إلا بإذنه .

## ١١ ـ هل كان نبينا قبل البعثة متعبداً بشريعة أم لا :

قد وقع الخلاف في أنه ﷺ قبل البعثة هل كان متعبداً بشريعة أم لا، فقيل نعم وقيل بالتوقف واختلف الأولون، فمنهم من قال كان متعبداً بشريعة نوح وقيل بشريعة إبراهيم وقيل بشريعة موسى وقيل بشريعة عيسى وقيل بجميع الشرائع، والحق أنه ﷺ لم يكن متعبداً بشريعة من قبله من الأنبياء وأنهُ ﷺ كان نبياً حين تولده بل حين كان آدم بين الماء والطين ثم صار بعد ذلك رسولاً وأُمر بأن يدعو الناس بعد أربعين سنة ويدل على ذلك وجوه :

**الأول** : إنه لو عمل بشريعة غيره لكان رعية له فيكون ذلك الغير أفضل منه وهو خلاف ضروري الدين .

**الثاني** : إن عمله بشريعة الغير إما ان يكون عن وحي فيلزم نبوته والمطابقة بشرع غيره غير مناف لذلك، وإما أن يكون لا عن وحي بل عن أخذ من علماء تلك الشريعة مع أن من معجزاته أنه لم يقرأ ولم يكتب ولم يعاشر العلماء من أهل الكتاب ولم يرجع إلى عالم .

**الثالث** : إن أكثر علمائهم وجلهم في ذلك الزمان كانوا فسقة فجرة فكيف يجوز أن يرجع أفضل الخلق إليهم مع أنه لو اتفق لتواتر نقله .

**الرابع** : إنه ورد في الأخبار الكثيرة أن الأرض لا تخلو من حجة لله على خلقه ظاهراً أو مستوراً، فلو لم يكن ﷺ نبياً وجب عليه اتباع أوصياء الأنبياء قبله ولو فعل لتواتر نقله وللزم كونه ﷺ مفضولاً مع كونه أفضل بالضرورة .

**الخامس** : إنه ﷺ كان إذا سئل عن شيء لا يجيب فيه قبل نزول الوحي ولو كان متعبداً بشرع غيره لتمسك بكتب السابقين وشرائعهم .

**السادس** : ما استفاض نقله بين الخاصة والعامة من قوله ﷺ كنت نبياً وآدم بين الماء والطين .

# حق الیقین

جلد ۱

# حق الیقین

نویسنده:

علامه محمدباقربن محمدتقی مجلسی (ره )

ناشر چاپی:

علمیه اسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بوده‌اند و هیچ یک کافر نبوده‌اند و آزر که کافر بود پدر حضرت ابراهیم نبود بلکه عموی او بود چون او را تربیت کرده بود او را پدر میگفت بلکه تاریخ پدرش بود و احادیثی که دلالت بر خلاف این میکند محمول بر تقیه است و عبد اللّه و آمنه هر دو مسلمان بودند و عبد المطلب از اوصیاء حضرت ابراهیم بود و همچنین پدرانش تا اسماعیل همه اوصیاء بودند و ابو طالب (ع) پدر امیر المؤمنین علیه السّلام بعد از عبد المطلب وصی بود و هرگز بت نپرستیده بود و کافر نبود و لیکن ایمان خود را برای مصلحت از قوم خود مخفی میداشت که رعایت حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بهتر بتواند بکند و اعانت آن جناب بیشتر تواند کرد و وصایا و ودایع و کتب ابراهیم و اسماعیل و سایر انبیاء و اوصیاء نزد او بود و بحضرت رسول در وقت مردن تسلیم کرد و در آن وقت اظهار اسلام نمود لهذا در احادیث وارد شده است که او مثل اصحاب کهف بود که ایمان را پنهان داشتند و کفر را ظاهر کردند برای تقیه پس حقتعالی ثواب ایشان را مضاعف گردانید و بر این مضامین احادیث متواتره از اهل بیت وارد شده است و اسلام ابو طالب و آباء و اجداد آن حضرت از ضروریات دین شیعه است و در احادیث معتبره وارد شده است که شیعه ما نیست هر که باسلام ابو طالب قائل نباشد باید حق اليقين، ص: ۳۲ اعتقاد کرد که جدات آن جناب و مادران ائمه همه عفایف و نجیبات مکرمات بوده‌اند و آلوده بتهمتی نبوده‌اند در هنگامی که نطفه ایشان یا آباء ایشان در رحم آنها قرار گرفته مسلمان بوده‌اند اما لازم نیست که همیشه مسلمان بوده باشند مانند شهربانویه مادر علی بن الحسین علیه السّلام و مادرهای اکثر ائمه که کنیزان بوده‌اند زیرا که در وقت کفر نطفه ایشان در رحم آنها نبوده بخلاف پدران و اجداد ایشان چون پیوسته نطفه‌های کریمه در صلب ایشان بود باید که هرگز کافر نبوده باشند و این مضامین از ادله عقلیه و نقلیه ظاهر و مبرهن است اما اکثر متفطن و متعرض نشده‌اند و اللّه الموفق. (قسم دهم) خلافست که آیا آن حضرت بر ملائکه مبعوث بود یا نه و توقف اولیست اما از احادیث بسیار ظاهر میشود که میثاق ولایت آن جناب و اوصیاء او را از جمیع ملائکه گرفتند و جمیع ملائکه مطیع و منقاد ایشانند و ملائکه از انوار مقدسه ایشان تنزیه و تقدیس و تسبیح حق تعالی را آموختند و هیچ ملکی برای امری بر زمین نمی‌آید مگر آنکه اول بخدمت امام علیه السلام می‌آید و بعد از آن پی آن کار میرود و جبرئیل ع بی‌رخصت داخل خانه حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نمیشد و چون داخل میشد مانند بندگان به ادب بخدمت او می‌نشست. (قسم یازدهم) خلافست که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پیش از بعثت آیا بشریعتی عمل میکرد یا نه بعضی بر آنند که بشریعتی متعبد نبود و بعضی گفته‌اند بود و بعضی توقف کرده‌اند و فرقه دویم نیز خلاف کرده‌اند بعضی گفته‌اند بشرع نوح (ع) عمل میکرد و بعضی گفته‌اند بشریعت ابراهیم (ع) و بعضی بشرع موسی (ع) و بعضی بشرع عیسی (ع) و بعضی بهمه شرایع و حق در نزد حقیر آنست که بعد از بعثت آن جناب تعبد به هیچ شرعی غیر شرع خود نمینمود و شریعت آن جناب ناسخ جمیع شرایع بود و لهذا آنچه از آن جناب سؤال میکرد تا وحی نازل نمیشد جواب نمیفرمود و هرگز در هیچ امر متمسك بکتب سابقه نمیگردید و در حکم سنگسار زناکار که خبر از تورية داد برای اتمام حجت بر یهود و تکذیب قول ایشان بود و اظهار علم خود بکتب ایشان و آیاتی که اشعاری بر متابعت انبیاء دارد محمول بر اصول دین است که متفق علیه جمیع ادیانست و بر موافقت ایشان در تبلیغ رسالت و تحمل و صبر در امور شاقه است و اما پیش از بعثت مدلول اخبار و ادله عقلیه بسیار است که آن جناب اهتمام در عبادات و تتبع در مکارم اخلاق و اجتناب از محرمات و مساوی آداب زیاده از همه کس میفرمود چون تواند که سایر خلق در حداثت سن مکلف بشرایع باشند و عبادت حقتعالی کنند و اشرف مخلوقات تا چهل سال مطلقا مکلف بعبادتی نبوده باشد و راه دین خود را ندانند با حق اليقين، ص: ۳۳ آنکه متفق است که آن حضرت انواع عبادت میکرد و بیست و پنج حج پیش از هجرت پنهان بجا آورد و آداب حسنه از تسبیح و تحمید و تسلیم و ترک محرمات و مکروهات و روزه و انواع عبادات از آن جناب صادر میشد و نمیتواند بود که اینها به متابعت شریعت دیگران باشد بچندین وجه (وجه اول) آنکه اگر عمل بشریعت پیغمبر دیگر نماید رعیت او خواهد بود و باید که آن پیغمبر افضل از او باشد و این خلاف ضروریات دین است (وجه دویم) آنکه شریعت آن پیغمبر را باید بداند تا بشرع او عمل نماید و اگر بوحی دانست پس پیغمبر خواهد بود و عمل بشرع خود

كرده خواهـد بود كه موافق شـرع پيغمبر ديگر باشد و اگر بغير وحى دانست پس بايست از علماء آن ملت اخذ كرده باشد و از جمله معجزات آن جناب آن بود كه خط و سواد نداشت و با علماء اهل كتاب معاشـرت نكرد و قصـص انبياء را بنحوى كه در كتب ايشان بود بيـان كرد پس چگونه از ايشـان فرا گرفت و ايضا اكثر علماء اهل كتاب در آن عصـر فاسق و فاجر بودنـد چگونه اعتماد بر گفته ايشان ميتوانست كرد (وجه سيم) آنكه در احاديث بسيار وارد شده است كه هيچ زمان دنيا خالى از حجت خدا نميباشد اگر حضرت رسول در ابتـداء تكليف پيغمبر نبود بـايست يـا وصـى عيسـى يـا وصـى ابراهيم را تتبع نمايـد و بـاو ايمان بياورد و تابع او گردد پس بـايست اين معنى را اكثر اهل مكه بداننـد و نقل كننـد قطع نظر از آنكه لازم مى‌آيـد كه آن حضـرت مرتبه‌اش پست‌تر از آن وصـى باشـد و افضـليت آن حضـرت بر ساير خلق ضـرورى دين اسـلام است پس گوئيم كه پيغمبرى آن جناب هميشه بود پيوسـته بوحى و الهام الهى بشـريعت خود عمل مينمود و بعـد از چهل سال رسول شـد و مأمور گرديـد كه مردم را بسوى خـدا دعوت نمايـد بچندين وجه (وجه اول) آنكه خـاصه و عـامه از آن جنـاب روايت كرده‌انـد كه فرمود من پيغمبر بودم در وقتى كه آدم ما بين آب و گل بود احاديث بسـيار وارد شـده است كه روح آن جناب را در عالم ارواح بروح انبياء مبعوث گردانيدند و همه باو ايمان آوردند و ملائكه تسبيـح و تقـديس الهى را از ارواح مقـدسه او و اهل بيت او آموختنـد (وجه دويم) آنكه امير المؤمنين عليه السّـلام در خطبه قاصـعيه فرمود كه حقتعـالى مقرون گردانيـد به پيغمبر خود در هنگـامى كه او را از شـير بازگرفتنـد يا نزديك بآن بزرگترين ملكى از ملائكه خود را كه دلالـت ميكرد او را براه مكـارم افعال و محاسن اخلاق اهل عالم در شب و روز همين است. معنى پيغمبرى معلوم شـد كه شرايع دين خود را از ملك فرا مى‌گرفت (وجه سيم) آنكه در احاديث صحيحه وارد شده است كه حق تعالى حضرت ابراهيم را بنده خاص خود گردانيد پيش از آنكه او را پيغمبر گرداند و پيغمبر گردانيد او را پيش حق اليقين، ص: ۳۴ از آنكه او را رسول گرداند و رسول گردانيد پيش از آنكه خليل گرداند و خليل گردانيد او را پيش از آنكه امام گرداند- و در حديث صحيح وارد شده است كه نبى آنست كه در خواب مى‌بينـدماننـد خواب ابراهيم و مانند آنچه ميديد رسول خدا از اسـباب پيغمبرى پيش از آنكه جبرئيل وحى بيـاورد از براى او برسالت پس معلوم شـد كه پيغمبرى از رسالت بوده (وجه چهارم) در احاديث صـحيحه بسـيار وارد شـده است كه رسول خدا و ائمه هدى صـلوات اللّٰه عليهم از اول سن تا آخر سن مؤيدند بروح القدس كه ايشان را تعليم و تسديد مينمايد و از سهو و خطـا و نسيان نگـاه ميـدارد (وجه پنجم) بنص قرآن و احاديث متواتره معلوم شـده است كه حضـرت رسول افضل انبياء است و هر فضـيلتى و كرامتى كه بهر پيغمبرى داده‌اند بآن حضـرت زياده از آن كرامت كرده‌اند چون تواند بود كه حضـرت عيسى عليه السّلام در گهواره پيغمبر باشـد و حضـرت يحيى در سن صبى بشـرف نبوت فـايز گردد و حضـرت رسـالت با آن جلالت قـدر تا چهل سال خلعت نبوت نپوشد ايضا در حديث بسيار وارد شده است كه از ائمه صلوات اللّٰه عليهم در وقت طفوليت بلكه در هنگام ولادت آثار علم و كمال ظاهر ميشود و حضرت قائم عليه السّلام در كودكى در دامان پدر از مسائل مشكله غامضه جواب فرمود و حضرت جواد عليه السّـلام در سن نه سـالگى در سه روز سـى هزار مسـئله غـامضه را بيان شافى نمود چون توانـد بود كه حضـرت رسالت از ايشان كمتر باشد (وجه شـشم) خلافست كه حقتعالى آن حضرت را چرا امى ناميد اكثر گفته‌اند براى آن بود كه خط و سواد نداشت و در اخبار وارد شده است كه نسبت بام القرى كه مكه مشـرفه است داده شده است و در اين خلافى نيست كه آن حضرت پيش از بعثت تعليم خط و سواد از كسـى ننموده بود چنانچه نص قرآن بر آن دلالت كرده است و خلاف در اينست كه آيا بعد از بعثت ميتوانست خوانـد و نوشت يا نه حق آنست كه قادر بود بر خواندن و نوشـتن چنانچه بوحى الهى همه چيز را ميدانست و بقدرت الهى كارهائى كه ديگران از آن عاجز بودند ميتوانست اما براى مصلحت خود نمينوشت و وحى را ديگران مى‌نوشتند و غالب اوقات ديگران را امر بخواندن نامه‌ها ميفرمود و از حضـرت صادق عليه السّـلام منقولست كه حضـرت رسول صلّى اللّٰه عليه و آله و سلّم نامه را ميخواند و نمينوشت و بسـند معتبر منقولست كه شخصـى از امام محمد تقى عليه السّلام پرسيد كه چرا حضرت رسول را امى ناميدند آن جناب فرمود كه سنيان چه ميگويند عرض كرد ميگويند كه نميتوانست چيزى نوشت فرمود كه دروغ ميگويند لعنت خدا بر ايشان باد و اللّٰه

اردو ترجمہ

# حق الیقین

جلد اوّل

مصنّفہ

علامہ سیّد محمد باقر مجلسی علیہ الرحمۃ

مترجمہ

جناب سیّد بشارت حسین صاحب

ناشر

مجلسِ علمیِ اسلامی
(پاکستان)

کے بعد وصی تھے۔ اور کبھی آپ نے بُتوں کی پرستش نہیں کی اور نہ کافر تھے۔ لیکن مصلحت کی بنا پر اپنا ایمان اپنی قوم سے پوشیدہ رکھتے تھے تاکہ آنحضرتؐ کی رعایت و اعانت بہتر طریقہ سے کرسکیں اور وصیتیں اور تبرکات جناب ابراہیمؑ و اسماعیلؑ اور تمام انبیاءؑ و اوصیاءؑ کی کتابیں ان کے پاس تھیں اور اپنی وفات کے وقت جناب رسولِ خداؐ کو سپرد کیں۔ اور اُسی وقت اظہارِ اسلام کیا۔ لہذا احادیث میں وارد ہُوا ہے کہ وہ اصحابِ کہف کے مانند تھے جو اپنے ایمان کو پوشیدہ رکھتے تھے اور تقیہ کی بناء پر کفر کو ظاہر کیا تھا۔ تو خداوندِ عالم نے اُن کے ثواب کو بہت زیادہ کردیا۔ اس بارے میں احادیث متواترہ اہلبیت علیہم السّلام سے وارد ہوئی ہیں اور اسلام ابوطالبؑ اور آنحضرتؐ کے آباؤ اجداد کا ایمان ضروریاتِ دینِ شیعہ سے ہے۔ احادیث متواترہ میں وارد ہوا ہے کہ وہ ہمارا شیعہ نہیں جو ابوطالبؑ کے اسلام کا قائل نہیں ہے۔ اُن حضرتؐ کے باپ دادا اور آئمہ علیہم السّلام کی مائیں سب عفیفہ، نجیبہ اور مکرمہ تھیں اور کسی بُرائی سے متہم نہ تھیں۔ جس وقت اُن کا نطفہ یا اُن کے باپ داداؤں کا نطفہ ان کے رحموں میں قرار پایا وہ مسلمان رہی ہیں۔ لیکن لازم نہیں ہے کہ ہمیشہ مسلمان رہی ہوں۔ جیسے شہربانو۔ مادرِ علی بن الحسین علیہما السّلام اور اکثر آئمہ کی مائیں جو کنیزیں تھیں کیونکہ حالتِ کفر میں ان کا نطفہ ان کے رحم میں نہ تھا۔ بخلاف اُن کے اجداد کے۔ جب تک ان کا پاک نطفہ اُن کے صلب میں رہا ہے چاہیئے کہ ہرگز کافر نہ رہے ہوں۔ اور یہ بات عقلی و نقلی دلیلوں سے ظاہر و باہر ہے۔ لیکن اکثر اس بارے میں متعرض نہیں ہوتے ہیں واللہ الموفق۔

دسویں قسم ـــ اس بارے میں اختلاف ہے کہ آیا آپ فرشتوں پر مبعوث تھے یا نہیں۔ اس امر میں توقف زیادہ بہتر ہے۔ لیکن بہت سی حدیثوں سے ظاہر ہوتا ہے کہ آنحضرتؐ کی اور آپ کے اوصیا کی ولایت کی میثاق خدا نے تمام فرشتوں سے لی تھی اور تمام فرشتے آپ حضرات کے مطیع و فرمانبردار ہیں۔ فرشتوں نے اُن کے انوارِ مقدسہ سے خدائے تعالیٰ کی تسبیح و تقدیس و تنزیہ سیکھی اور کوئی فرشتہ زمین پر کسی ضرورت سے نہیں آتا۔ مگر یہ کہ پہلے امام علیہ السّلام کی خدمت میں آتا ہے۔ اس کے بعد اس کام کے لیے جاتا ہے اور جبرئیل علیہ السّلام آنحضرتؐ کی اجازت کے بغیر آپ کے گھر میں داخل نہیں ہوتے تھے۔ اور جب داخل ہوتے تھے تو غلاموں کی طرح ادب سے جناب رسولِ خدا صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم کی خدمت میں بیٹھتے تھے۔

گیارھویں قسم ـــ اس میں اختلاف ہے کہ جناب رسولِ خداؐ بعثت سے پہلے آیا کسی سابقہ شریعت پر عمل کرتے تھے یا نہیں۔ بعضوں کا اعتقاد یہ ہے کہ کسی شریعت سے الگ نہیں تھے۔ بعض کہتے ہیں کہ تھے اور بعض نے توقف کیا ہے۔ فرقہ دوم میں بھی اختلاف ہے۔ بعض نے کہا ہے کہ حضرت نوحؑ کی شریعت پر عمل کرتے تھے۔ بعض شریعت ابراہیمؑ کہتے ہیں۔ بعض جناب موسیٰؑ کی شریعت اور

بعض حضرت عیسیٰؑ کی شریعت پر عمل پیرا ہونا کہتے ہیں اور بعض کہتے ہیں کہ تمام شریعتوں پر عمل کرتے تھے۔ لیکن میرے نزدیک یہ ہے کہ بعثت کے بعد آنحضرتؐ اپنی شرع کے علاوہ کسی دوسرے کی شریعت پر عمل نہیں کرتے تھے۔ اور آنحضرتؐ کی شریعت تمام شریعتوں کی ناسخ تھی لہٰذا آپ سے جس امر کے بارے میں لوگ سوال کرتے تھے۔ جب تک وحی نازل نہیں ہوتی تھی آپ جواب نہ دیتے تھے اور کسی امر میں سابقہ کتابوں سے متمسک نہیں ہوتے تھے اور زناکار کے بارے میں سنگساری کا حکم جو توریت سے حضرت نے بتایا تھا یہودیوں پر حجت کے لیے تھا اور اُن کے قول (انکار) کو جھٹلانے کی غرض سے تھا اور اُن کی کتابوں پر اپنے علم کا اظہار تھا اور جن آیتوں سے انبیاء کی متابعت کا اظہار ہوتا ہے وہ اصولِ دین میں ہے جو تمام دینوں میں متفق علیہ ہے۔ اور تبلیغ رسالت میں ان کی موافقت اور امور شاقہ میں تحمل و صبر کے بارے میں ہے لیکن بعثت سے پہلے بہت سی دلیلیں ہیں کہ آنحضرتؐ عبادات میں اور مکارم اخلاق میں تتبع اور محرمات سے پرہیز اور برائی کے آداب میں ہر شخص سے زیادہ اہتمام فرماتے تھے۔ کیسے ممکن ہے کہ تمام خلق سنِ بلوغ میں شرائع میں مکلف ہوتے ہیں۔ اور خدا کی عبادت کرتے ہیں اور جو اشرف مخلوقات ہو چالیس سال تک کسی عبادت کا مطلق مکلف نہ ہو اور اپنے دین کا راستہ نہ جانتا ہو۔ باوجودیکہ اس پر اتفاق ہے کہ آنحضرتؐ طرح طرح سے عبادت کرتے تھے اور ہجرت سے پہلے پوشیدہ طور سے بیس حج بجا لائے تھے اور آدابِ حسنہ مثل تسبیح و تحمید و تسلیم کے اور ترک محرمات و مکروہات اور روزہ اور انواع عبادات آنحضرتؐ سے صادر ہوتے تھے اور نہیں ممکن ہے کہ یہ سب دوسروں کی شریعت کی متابعت میں بجا لائے ہوں۔ کئی وجہوں سے ایسا ممکن نہیں ہے۔

**پہلی وجہ :** اگر دوسرے پیغمبر کی شریعت پر عمل کرتے تو اس کی رعایا میں سے ہوتے۔ پھر اس پیغمبر کو آپ سے افضل ہونا چاہیئے تھا اور یہ ضروریاتِ دین کے خلاف ہے۔

**دوسری وجہ :** یہ کہ چاہیئے کہ اُس پیغمبر کی شریعت جانتے ہوں تاکہ اُس کی شرع پر عمل کریں۔ اگر وحی کے ذریعے سے جانا تو پیغمبر ہوئے اور اپنی شریعت پر عمل کیا جو دوسرے پیغمبر کی شریعت کے موافق ہوگی۔ اگر بغیر وحی کے جانا تو چاہیئے کہ اُن کے علماء سے اخذ کیا ہو اور آپ کے معجزوں میں سے ایک یہ بھی ہے کہ آپ لکھتے پڑھتے نہ تھے اور علمائے کتاب کے ساتھ رہتے نہ تھے اور انبیاء کے حالات جس طرح ان کی کتابوں میں تھے بیان کیا تو کس طرح اُن سے حاصل کیا۔ ایضاً۔ اُس زمانہ میں اکثر علمائے اہلِ کتاب فاسق و فاجر تھے تو کس طرح اُن کے کہنے پر اعتماد کیا جا سکتا تھا۔

**تیسری وجہ :** یہ کہ بہت سی حدیثوں میں وارد ہوا ہے کہ دُنیا میں کوئی زمانہ حجتِ خدا سے خالی نہیں ہوتا اگر جنابِ رسولِ خدا تکلیف کی ابتداء میں پیغمبر نہ تھے تو چاہیئے کہ وصیِ عیسیٰؑ یا